

تاسیس دفتر نمایندگی طالبان در قطر، در پی چه اهدافیست؟

ادامه ده سال روابط مغشوش میان امریکا و پاکستان بعد از کشته شدن اسامه بن لادن توسط کماندو های خاص امریکا آن روابط کج دار و مریز رو به تیرگی رفت، تلاش ها و باج پردازی ها از جانب دولت امریکا به دولت پاکستان موثر واقع نشد، ناگذیر در جستجوی راه های دیگری شدند، بتاریخ ۲۰۱۱/۱/۳ آلمان ها زمینه مذاکره بین امریکا و نماینده ملا محمد عمر را در آلمان فراهم نمودند و اخیراً زیر نام مسأله تبادلۀ یک اسیر امریکائی با یکتعداد اسیران طالبان در گوانتانامو از تاسیس دفتر سیاسی برای طالبان در قطر خبر داده شد که بقول رادیو بی بی سی بتاریخ ۲۰۱۲/۱/۴ رسیمت دفتر مذکور از سوی گروه طالبان نیز تأیید گردید.

قبل از هر چیز باید گفت: آنچه که باعث ناکامی قوای ناتو و مایوسی دولت امریکا در برابر عملیات گروه های تروریستی در افغانستان شده است، سیاست های دو پهلو و فریبکارانه نظامی های پاکستانی بوده که اخیراً طی دو گذارش مفصل از رادیو بی بی سی پخش گردید و شواهد و مدارک انکار ناپذیر می رساند که پاکستان با وجود دریافت تاکنون بیش از بیست میلیارد دالر از جانب امریکا نه تنها در ظرف ده سال از موضع صادقانه به برچیدن بساط تروریزم حاضر به همکاری لازم نشده است، بلکه جهت عمده تلاش نظامی های آنکشور این بوده تا قوای امریکا و ائتلاف بین المللی را به شکست مواجه ساخته و آنگاه به خیال اینکه بتوانند بار دیگر زیر نام حکومت طالبان افغانستان را تحت تسلط پاکستان در آورند.

بعد از کشته شدن بیست و چهار عسکر پاکستانی در سرحد شرقی افغانستان بوسیله هلیکوپتر قوای ناتو، نظامی های پاکستانی زورگویی را بجائی رساندند که علاوه از مسایل دیگر، اکمالات لوژستیکی مورد نیاز قوای ناتو را از حرکت بجانب افغانستان باز داشته و بعد از یک مدت توقف طولانی ناچار کاروان های مواد رسانی از پیشاور، راه برگشت به بندر کراچی را در پیش گرفتند.

بنا بران از تحولات اخیر چنین بر می آید که امریکائی ها دریافته اند که در افغانستان هر گونه راه حل، حاصل بهتر از شرایط کنونی ببار نخواهد آورد، زیرا جامعه نهایت عقب مانده و جنگ زده افغانستان از یکسو و دخالت تسلط جویانه پاکستان و ایران از سوی دیگر سبب شده است که گروه های اسلامی و جنگسالاران افغان باوجود در قدرت بودن و سوء استفاده های کلان و هر نوع چور و چپاول، متمایل به نظام مذهبی و قبیله گری اند، و بر همه آشکار شده است که چندان تفاوتی میان جنگسالاران موجود در دولت کرزی و سران گروه طالبان نیست و با درک این مسأله، «جوابیدن» معاون رئیس جمهور امریکا با لحن آشتی جویانه اعلام داشت که طالبان دشمن امریکا نیستند و لذا اینرا بهتر دیده اند تا آنجا که ممکن باشد همه گروه ها را در قدرت شریک ساخته و بدینطریق رام و راضی شان نموده با پرداخت هزینه کمتر آنها را تحت کنترل در آورند.

البته از اینجاست که دولت ایالات متحده امریکا و دولت های ائتلاف بین المللی چون آلمان کوشش دارند هرچه زودتر خود را از تلفات انسانی جنگ در افغانستان و از زیر بار پرداخت سالانه میلیارد ها دالر مصارف نظامی رهائی بخشند، در غیر آن میدانند که اگر بیش از این به سیاست باج دهی خود به پاکستان ادامه دهند نه تنها به قدرت نظامی های آنکشور خواهند افزود بلکه با پول های مفت و رایگان آنها تشویق خواهند شد تا به حمایت و تقویت هرچه بیشتر تروریزم علیه افغانستان و نیروهای بین المللی ادامه دهند.

بنائاً تجویز اخیر کنگره امریکا مبنی بر قطع کمک هفتصد میلیون دالری آنکشور به پاکستان و به تعقیب آن ایجاد دفتری جهت مذاکره مستقیم با گروه طالبان متمایل به صلح در قطر، را میتوان اتخاذ سیاست مثبتی محسوب نمود که شاید از طریق پرداخت پول و شریک ساختن آنها در قدرت رفته رفته بخشی زیاد طالبها در جهت پذیرفتن راه صلح و از فعالیت های تروریستی دست کشند، گرچه گروه حقانی که گفته میشود مستقیماً زیر نظر سازمان استخبارات نظامی پاکستان به عملیات تروریستی خود در افغانستان ادامه میدهد و تا هنوز به روند صلح علامه مثبت از خود نشان نداده ولی جناح ملا محمد عمر و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار با امریکائی ها و دولت افغانستان رابطه مذاکره برقرار کرده اند، چون آنها هوشیارانه دریافته اند که منافع امریکائی ها ایجاب نمیکند که بخواهند مثل زمان شکست دولت شوروی بار دیگر افغانستان را بحال خود رها نمایند بلکه متوجه شده اند که با ایجاد پایگاه های نظامی و کمک های اقتصادی از دولت افغانستان حمایت کرده و احتمالاً تا زمانیکه دیگر هیچ خطری را احساس نکنند به حمایت خود ادامه دهند.

البته چنین برداشتی یک تصور خیال بافانه و تصور ذهنی نبوده بلکه زمینه های مادی و عینی آن تا حدودی فراهم شده و بعضاً در حال فراهم شدن هستند، مثلاً تحقیقات علمی امریکائی ها در قسمت منابع معدنی که موجودیت مجموعی ذخایر کشور را به ارزش سه تریلیون دالر تخمین و تثبیت نموده اند که تا حال: عقد قرار داد استخراج مس لوگر با کمپنی چینی و دولت افغانستان صورت گرفته است. عقد قرار داد استخراج معدن آهن بامیان با کمپنی چینی و هندی بعمل آمده است. عقد قرار داد نفت و گاز سر پل شمال کشور با چین رسمیت یافته است. از لحاظ سیاسی نظامی پیمان ستراتیژیک میان دولت افغانستان و امریکا. پیمان ستراتیژیک میان دولت افغانستان، فرانسه و چند دولت مهم دیگر اروپائی. و روز تا روز بالا رفتن تعداد پولیس و اردوی ملی با تجهیزات مدرن و در آغاز سال ۲۰۱۲ خبر خریداری بیست فروند طیاره تعلیمی و جنگی بنام ۲۹ سوپر توکانو برازیلی مدرن به ارزش ۳۵۵ میلیون دالر از جانب امریکا برای افغانستان. اینها همه این امید واری را به مردم ما میرساند که در آینده نه چندان دور کشور ما در زمینه های نظامی اقتصادی و غیره متکی بخود شده و قادر بدفاع از کشور خواهند گردید و دولت های همسایه که تاحال خیال نفوذ و تسلط بر کشور زیبا و مملو از ذخائر قیمتی ما را در سر داشته اند، آن آرزو را باخود بگور خواهند برد. در باره روش نظامی های پاکستانی و رژیم آخندی ایران باید گفت اگر از این تحولات اخیر چیزی درک کرده باشند باید بفکر بقای کشور و زندگی مردم خود شده و تا دیر نشده سیاست مسالمت آمیز و صلح جویانه را با افغانستان در پیش گیرند و الی اگر راه گذشته را که تاکنون در حمایت از اسلام ستیزه جو و تروریست پرور تعقیب نموده اند، ادامه دهند بالاتر دید نتیجه آن چیزی به غیر از بحران آفرینی، تشدید فقر و بدختی و سر انجام منجر به جنگ و فروپاشی کشور شان شده ، حاصل دیگری نخواهند برداشت.

پایان ۲۰۱۲/۱/۶